

الین پیگلز

انجیل‌های گنوسی

مترجم

ماشاءالله کوچکی میبدی



۱۳۹۴

Pagels, Elaine H.

سرشناسه : پیگلز، ایلین ایچ، ۱۹۴۳ - م.
عنوان و نام پدیدآور : انجیل‌های گنوسی / الین پیگلز؛ مترجم: ماشاءالله کوچکی میدی.
مشخصات نشر : تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : بیست و یک، ۲۴۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۷۲۰-۳
وضعیت فهرست‌نویسی : قیبا
یادداشت : عنوان اصلی: The Gnostic Gospels, 1979.
یادداشت : واژه‌نامه.
موضوع : نسخه‌های خطی نجع حمادی
موضوع : گنوستیسیسم
موضوع : اسفار مجعوله (اناجیل)
شناسه افزوده : کوچکی میدی، ماشاءالله، ۱۳۴۱ - ، مترجم
شناسه افزوده : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۹۹ الف پ/ ۱۳۹۰ BT
رده‌بندی دیویی : ۲۷۳/۱
رده کتابشناسی ملی : ۳۹۲۱۸۴۳

انجیل‌های گنوسی

نویسنده: الین پیگلز

مترجم: ماشاءالله کوچکی میدی

چاپ نخست: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.

شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، چهارراه حقانی (جای ورودی) کوچه کمان،
پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۸۷۳۴۵۶۹۰۷۰؛
فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴
آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، رویه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۱۶-۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛
تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: جمهوری، چهارراه شیخ هادی، نبش رازی، پلاک ۶۹۹

فروشگاه چهار: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی
(نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه پنج: خیابان کارگر شمالی، رویه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه
محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

یادداشت مؤلف	نه
بیشگفتار مترجم	یازده
تقدیر و تشکر	هفده
درباره نویسنده	نوزده
مقدمه	۱
فصل اول: مناقشه بر سر رستاخیز مسیح: رستاداری یا نماد؟	۳۴
فصل دوم: یک خدا، یک اسقف: سیاست یکتاپرستی	۶۳
فصل سوم: خدای پدر، خدای مادر	۸۷
فصل چهارم: مصائب مسیح و شکنجه مسیحیان	۱۱۱
فصل پنجم: «کلیسای حقیقی» کدام است؟	۱۴۶
فصل ششم: گنوس: خودشناسی به مثابه خداشناسی	۱۶۷
نتیجه	۱۹۱
یادداشت‌ها	۲۰۳
فهرست اعلام	۲۳۵

یادداشت مؤلف

همکاران عزیز،
جای بسی خوشحالی است که کتاب مورد استقبال دوستان و خوانندگان
در ایران قرار گرفته، و تشکر فراوان از استاد میبدی که کتاب را ترجمه
کرده است.

رادمند

الین پیگلز، استادیار، دانشگاه پرینستون

پیشگفتار مترجم

ریشه‌شناسی واژه Gnostic و Gospel

الف. واژه Gnosticism که گاهی با حرف اول بزرگ نوشته می‌شود، از واژه Gnostic می‌آید که در لاتین باستان *Gnosticus* و در یونانی *Gnostikos* تلفظ می‌شود. این یک مشتق عرفانی است که به *gnos-ti-* cism موسوم شده است و اشاره به اندیشه و ریاضت ویژه قبایل مختلف (قبل از مسیحیت) و کشورهای مسیحی شده^۱ دارد که اساساً معتقدند ماده پلید است و رهایی با عرفان حاصل می‌شود.

نوسیس یا دانش عرفانی *Gnosis*، دانش متحصّل از دانش روحانی است و ریشه آن را باید در واژه *gignoskein* جست که به صورت تحت‌اللفظی به معنای «دانش» مشتق شده و معنی اصطلاحی آن آگاهی باطنی از حقیقت روحانی است که توسط عرفای باستان وضع شده و برای رستگاری ضروری است.

ب. واژه *gospel* اسم است و از انگلیسی باستان با تلفظ *godspell* وارد انگلیسی میانه شده است و تجزیه آن به این صورت است:

god=good+spell=tale

و معانی آن عبارتند از:

۱. این کلمه اغلب با حرف اول بزرگ نوشته می‌شود و به معنی پیام مسیح، قلمرو خداوند و رستگاری است.

1. Webster, Noah, "Webster's new collegiate dictionary" (1949).

۲. باز هم با حرف اول بزرگ، یکی از اولین چهار کتاب عهد جدید و گویای حیات، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح است. همچنین به معنی کتاب با اعتبار مشکوک می‌باشد.

۳. تفسیر پیام مسیح

- با حرف اول بزرگ نوشته می‌شود و به معنای یک درس قرائت

کلیسایی از یکی از انجیل‌های عهد جدید است؛

- پیام یا تدریس یک آموزگار مذهبی است؛

- چیزی پذیرفته به منزله یک حقیقت پاک و معصوم یا به عنوان یک

اصل راهنما، مثل اصول‌الدین، است؛ این واژه در معنای صفتی به

دو معنی است: بر اساس انجیل بودن یا تطابق با انجیل، یعنی

انجیلی؛ - مشخص شده با تأکید ویژه یا با حرارت و التهاب بر

انجیل، مثل یک ملاقات گرم (meeting a gospel).

۴. سرود از مذهب با منشأ امریکایی که ترکیبی است از اصول

مسیحیان انجیلی و سردهای پارسیایی عمومی و مشخص شده توسط

ملودی‌های ساده یا آهنگ، از مزون ساده و عناصر سرودهای عامیانه،

روحانی و گاه‌گاهی موسیقی، حالت (مثل یک آوازه‌خوان کلیسایی). بر این

اساس، اسم فاعل این واژه از gos-pel ساخته می‌شود؛ به معنی

کسی که انجیلی را تفسیر یا وعظ می‌کند یا کسی که آیات انجیل

مربوط به نماز را می‌خواند یا با آواز دست‌جمعی می‌سراید.

در ترجمه این کتاب سعی شده است به این کنونیک‌ها از گنوسی‌ان

استفاده شود. گنوستیسیسم مذاهب و فرقه‌های ۴، راگوب را دربرمی‌گیرد

که اکثر آن‌ها از فرقه‌های مسیحی بودند. البته برخی از فرقه‌های گنوسی

پیش از مسیحیت هم وجود داشتند و بعضی از آن‌ها از قبل مسیحیت و

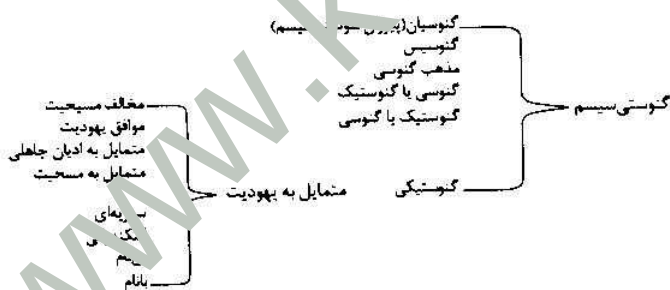
فرقه صبی‌ها با همه تأثیرپذیری از مسیحیت، مسیحی نبودند.

فرقه‌های گنوستیکی

بر اساس نگارش *دایرة المعارف*، صاحب، گنوستیسیسم فرقه‌های متعددی

دارد و تقسیم‌بندی آن کار آسانی نیست. بعضی از محققان ادیان

کوشیده‌اند که فرقه‌های گنوستیکی را به دو دسته موافق و مخالف یهودیت تقسیم کنند. برخی دیگر این فرقه‌ها را به سه دسته متمایل به یهودیت و متمایل به مسیحیت و متمایل به ادیان جاهلی تقسیم کرده‌اند. یکی از دین‌پژوهان فرقه‌های گنوستیکی را بر طبق وطنشان، به گنوستیک‌های مصر، سوریه و آسیای صغیر قسمت کرده است. بر طبق یک تقسیم جغرافیایی دیگر، گنوستیک‌ها به مکتب بزرگ اسکندرانی و سوریه‌ای تقسیم شده‌اند. تقسیمی که پژوهشگران ادیان آن را قبول کرده‌اند، تقسیم گنوستیک‌ها به دو فرقه بزرگ «بی‌نام» و «بانام» است. مقصود از فرقه‌های بی‌نام فرقه‌هایی است که نام بنیان‌گذار آن‌ها معلوم نیست، گرچه هر فرقه‌ای نام خاص دارد؛ و مقصود از فرقه‌های بانام فرقه‌هایی است که نام بنیان‌گذارشان معلوم است. والتینوس در قرن دوم میلادی می‌زیست و از مردم مصر بود و به اسکندریه تعلیم یافت و همان‌جا به دین مسیح گروید، بعد به روم گشت و در آن‌جا از طرف کلیسای روم تکفیر شد. آیین گنوستیکی والتینوسی عمیق‌ترین و مؤثرترین آیین گنوستیکی مسیحی بوده است.



پژوهش نویسنده درباره گنوستیسیسم و مسیحیت اولیه در این کتاب عمیق است، همچنان که در مقدمه خود، منابع تحقیقش را بیان کرده است. در این قسمت نگاهی کوتاه به تحقیق نویسنده داریم.

منابع پژوهش نویسنده عمدتاً منابع مسیحی گنوسی و مبنای پژوهش آن در این کتاب مسیحیت گنوسی است؛ به جای بررسی ریشه‌های مذهبی گنوسی او قصد دارد که نشان دهد چگونه اشکال گنوسی

مسیحیت با مذهب ارتدوکس ارتباط دارد و این پژوهش دربارهٔ ریشه‌های مسیحیت به ما چه می‌گوید.

مسیحیان گنوسی بدون شک عقایدی را بیان کردند که مسیحیان ارتدوکس از بیان آن‌ها نفرت داشتند؛ مثلاً برخی از این متون گنوسی پرسش می‌کنند که آیا تمام رنج‌ها، کارها و مرگ از گناه سرچشمه نمی‌گیرد؟ که به عقیدهٔ مسیحیان ارتدوکس به آفرینش، که در آغاز کامل بود، آسیب می‌رساند. متون دیگر از عنصر مؤنث در الوهیت صحبت می‌کنند که خدا را به عنوان پدر و مادر ستایش می‌کنند. همین متون پیشنهاد می‌کنند که رستاخیز را به صورت نمادین باید شناخت و نه واقعاً.

مسیحیان ارتدوکس دریافتند که مسیح نه به عنوان یک انسان، ارواح را از این جهان روشیایی دایت می‌کرد، بلکه به منزلهٔ تکامل «خداوند» به شهود انسانی - شهود جسمانی نزول کرد تا آن را تقدیس کند و نوعی تنوع شهود را بیان می‌کرد. آن‌ها در مورد رابطهٔ خود با افراد دیگر بیشتر از گنوسی‌ان نگران بودند؛ بنابراین به گوسیا اصرار داشتند که منشأ شهود انسان مربوط به احساسی درونی است. ارتدوکس‌ها با این نظر مخالف بودند و با تذکار داستان آدم و حوا توضیح می‌دادند که بشریت شر را در تخلف نظم طبیعی کشف کرد. اکنون که کشف است، نجع حمادی چشم‌انداز جدیدی دربارهٔ این روند به ما ارائه داده است، درمی‌یابیم که چرا افراد خلاق در همهٔ قرن‌ها از والتینوس و هرقلیون گرفته تا ایک، رامبراند، داستایفسکی، تولستوی و نیچه در حواشی ارتدوکسی ماندند. آن‌ها همه مجذوب شخصیت مسیح بودند: تولد، زندگی، تعلیم، مرگ و رستاخیز او. همهٔ آن‌ها پیوسته برای بیان تجربه‌های خاص خود از نشانه‌های مسیحی استفاده، و با این حال علیه نمادهای ارتدوکس شورش می‌کردند. امروزه بسیاری از مردم با آن‌ها هم‌نظرند. آنان نمی‌توانند صرفاً به حجیت کتاب مقدس، رسولان و کلیسا تکیه کنند و دست کم باید از خود بپرسند این حجیت از کجاست و چه چیزی به آن مشروعیت می‌بخشد؟ تمام پرسش‌های قدیمی که در آغاز مسیحیت مورد بحث بود از نو مطرح شد: انسان چگونه می‌تواند رستاخیز را درک کند؟ در باب مشارکت زنان در

کشیشی و اسقفی چه می‌توان گفت؟ مسیح که بود؟ رابطه او با مؤمنانش چگونه بود؟ شباهت‌های بین مسیحیت و دیگر ادیان جهان چیست؟ این که من بخش مهمی از این بحث را به آیین گنوسی اختصاص دادم، آن گونه که ممکن است به نظر بیاید به این معنی نیست که از بازگشت به آیین گنوسی حمایت می‌کنم یا در مقابل مسیحیت ارتدوکس از آن «طرفداری» می‌کنم. بنده به عنوان یک مورخ معتقدم کشفیات نجع حمادی بی‌نهایت هیجان‌انگیز است، چون مدارک و شواهدی که از این کشفیات به دست می‌آید، چشم‌انداز جدیدی برای فهم چیزهای بسیار باب ایجاد می‌کند. مورخ فقط حمایت نمی‌کند، بلکه به بررسی مدارک می‌پردازد و متدکک خواهد تلاشی در کشف کیفیت آغاز مسیحیت داشته باشد. همچنین به عنوان عاشق مسائل دینی فکر می‌کنم کشف مجدد مباحثی که مسیحیت اولیه را به خود مشغول داشت، آگاهی ما را نسبت به مسئله اصلی این بحث افزایش می‌دهد: حجیت و اعتبار مراجع دینی از کجاست؟ برای یک مسیحی این بحث روشن‌تر است: اعتبار تجربه فرد چه ربطی به اعتبار مورد تعالی کتب مقدس، آداب و مناسک و روحانیت دارد؟

اکنون منبع مرجعیت مذهبی چیست؟ برای مسیحیان پرسش شکل خصوصی‌تری می‌گیرد: رابطه بین مرجعیت، تجربه شخصی و آنچه او برای مقدسان، تشریفات مذهبی و روحانی ادعا می‌کند چیست؟ با تحقیقات جاری بی‌شماری که در این زمینه انجام شده است، نویسنده بیان می‌کند که این طرح ضرورتاً خلاصه و ناقص است. هر کسی که بخواهد تحقیق خود را به صورت مفصل‌تر پیش ببرد، باید منبع بالرش نجع حمادی پروفیسور اسکولر^۱ را پیدا کند و نقد و بررسی را که در سی سال اخیر درباره متون نجع حمادی انتشار یافته است مرور کند. وقتی محمدعلی آن کوزه پر از پاپیروس را روی پرتگاه نجع حمادی شکست، از این که طلا پیدا نکرده بود، مأیوس شد، زیرا نمی‌توانست تصور کند کشف تصادفی او چه پیامدهای مهمی دارد. این متون گنوسی اگر هزار سال پیش کشف می‌شد، قطعاً به سبب بدعت‌گذارانه بودن سوزانده

می‌شد، ولی تا قرن بیستم پنهان باقی ماندند و امروز تجربه فرهنگی، دیدگاه جدیدی درباره موضوع این متون به ما داده است. ما امروز آن‌ها را با دید متفاوتی می‌خوانیم، ما آن‌ها را «دیوانگی و کفرگویی» نمی‌دانیم، بلکه مثل مسیحیان قرون اولیه این متون را جایگزین قدرت‌مندی برای سنت ارتدوکس مسیحی می‌بینیم. امروز است که می‌توانیم پرسش‌هایی را که این متون مقابل ما قرار می‌دهند، مطالعه کنیم.

این کتاب برای دانشجویان رشته ادیان و عرفان، عرفان اسلامی و تصوف و عرفان در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌تواند مفید و راهگشا باشد.

کوشش مترجم بر آن بوده که ترجمه کتاب با امانت، دقت و وسواس و بدون اعمال نظر و انجام برسد و در هیچ موردی صحت و درستی ترجمه، قربانی ویرایش رانی و فنی نشود.

تمام توضیحاتی که در پاورقی آمده است از مترجم است و در اصل کتاب بیان نشده است.

ترجمه این اثر کار دشوار و زمان‌بری است، اما امیدوارم بتواند خدمت شایانی در مسیر پژوهش‌های حوزه گنوسی باشد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که همه کسانی که مرا در ترجمه این کتاب یاری کردند، تشکر و قدردانی کنم. نخست استاد گرامی آقای دکتر بهزاد سالکی که زحمت ویراستاری این کتاب را کشیدند؛ بعد آقای دکتر علی شهبازی که راهنمایی‌های ارزنده‌ای ارائه کردند؛ سپس پروفسور جهانگیر باقری که اصل نسخه کتاب *انجیل‌های گنوسی* را از ایالتانیا ارسال کردند؛ همچنین آقای محمدرضا عبداللهی‌پور، همکار دوست صمیمی که در حل مشکلات ترجمه کتاب راهگشای ما بودند؛ همین‌طور آقای بهروز صفرزاده که کل متن را بنا بر نظر انتشارات علمی و فرهنگی ویرایش نهایی کردند؛ سرانجام آقای حمید هاشمی کهندانی دستیار پژوهش‌های مربوط به این کتاب، که اگر تلاش‌های بی‌وقفه ایشان نبود، کتاب حاضر با این کیفیت به دست خوانندگان نمی‌رسید. سلامتی و عمر همه این عزیزان و بزرگواران دراز باد.

درباره نویسنده

الین پیگلز^۱ در ۱۱ اتریه سال ۱۹۴۳ در پالو آلتو^۲ در کالیفرنیا به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۴ سرجه^۳ کارشناسی و در سال ۱۹۶۵ کارشناسی ارشد را از دانشگاه استنفورد دریافت کرد. وی در سال ۱۹۷۰ دکتری خود را در رشته دین‌شناسی در دانشگاه هاروارد به پایان رساند. زمانی که در این دانشگاه بود، به عضویت گروهی گروهی درآمد که بر روی دست‌نوشته‌های یافت‌شده در نجع ختمادی کار می‌کرد. پس از اتمام دکتری، با زمان انتقالش به دانشگاه پرینستون در سال ۱۹۸۲ عضو هیئت علمی تالی بیلارد در دانشگاه کلمبیا شد و از سال ۱۹۷۵ ریاست دپارتمان دین در کالج^۴ مذکور را برعهده داشت.

دو رویداد غمناک مرگ فرزند در آوریل سال ۱۹۸۷ پس از تحمل پنج سال بیماری، و مرگ همسر^۳ در ژوئن ۱۹۸۸ در صعود به ارتفاعات، آنگامی معنوی الین پیگلز را ژرف‌تر کرد و همین امر سبب نوشتن کتاب^۴ شیطان شد. او در این کتاب بیان می‌کند که مسیحیان راست‌گیش و سنتی از تصویر شیطان استفاده می‌کنند تا مخالفان خود، از جمله دیگر فرقه‌های مسیحی و نیز یهودیان، را دیو یا شیطان جلوه دهند.

1. Elaine Pagels

2. Palo Alto

3. Heinz Pagels

4. The Origin of Satan

پیگلز کتاب *انجیل‌های گنوسی* را در سال ۱۹۷۹ تألیف کرد. این کتاب فروش بسیار خوبی داشت و جوایز زیادی کسب کرد که برای رعایت اختصار به ذکر آن‌ها نمی‌پردازیم، و یکی از صد کتاب برتر قرن بیستم در جهان شد. یک مؤسسه مسیحی این کتاب را یکی از پنجاه کتاب برتر قرن بیستم در جهان به شمار آورد. هارولد بلوم^۱ در مجلهٔ دنیای کتاب *واشینگتن پست*^۲ در توصیف این کتاب می‌نویسد: «... کتابی است همیشه خواندنی، دارای اطلاعات عمیق و بسیار وسوسه‌انگیز است».

خانم پروفیسور پیگلز در سال ۱۹۷۵ پس از مطالعهٔ رساله‌های پولس و مقایسهٔ آن‌ها با آیین گنوسی و کلیسای اولیه، کتاب *پولس گنوسی*^۳ را نوشت. وی در این کتاب به تبیین این نظریه می‌پردازد که پولس رسول در واقع یکی از پیروان سابع گنوسی بوده است. مطالعاتی که او دربارهٔ دست‌نوشته‌های انجیل انجام داد، مبنایی برای تألیف کتاب حاضر، یعنی *انجیل‌های گنوسی*، در سال ۱۹۷۹ شد. این کتاب برای ارائهٔ تصویری روشن از کتابخانهٔ سابع حمادی بسیار مفید است.

پیگلز در سال ۱۹۸۲، *درس تاریخ مسیحیت اولیه* در دانشگاه پرینستون مشغول به کار شد. به کمک دستیارش مک‌آرتور^۴ کتاب *آدم، حوا و مار*^۵ را در سال ۱۹۸۸ نوشت. این کتاب به گزارش مربوط به آفرینش و نقش آن در تحول نگرش‌های جنسیتی در غرب مسیحی می‌پردازد. پیگلز در هر دو کتاب مذکور به صورت ویژه‌ای نگرش‌های گوناگون تاریخ مسیحیت در باب زن را مطرح می‌کند.

پیگلز در کتاب *پرفروش خود، فراسوی باور: انجیل تومی*^۶، در سال ۲۰۰۳ به ادعاهای دینی در خصوص دارا بودن حقیقت مسیحین پرداخته و *انجیل توما* را با انجیل یوحنا مقایسه می‌کند. با مطالعهٔ دقیق این دو اثر معلوم می‌شود که تأکید یوحنا بر این است که عیسی «نور جهان» است و

1. Harold Bloom

2. *Washington Post Book World*

3. *The Gnostic Paul: Gnostic Exegesis of The Pauline Letters*

4. MacArthur

5. *Adam, Eve And the Serpent*

6. *Beyond Belief: The Secret Gospel of Thomas*

حال آن که/انجیل توما بیان می‌کند: «نوری در هریک از افراد وجود دارد که کل جهان را نورانی می‌کند. اگر این نور ندرخشد، جهان تاریک می‌شود». به دید پیگلز/انجیل توما به همراه دیگر تعالیم کتب خفیه روشنگر این مطلب‌اند که عیسی خدا نبود، بلکه معلمی بود که می‌خواست پرده از آن نور الهی بردارد که در درون هر فردی وجود دارد. به اعتقاد او انجیل یوحنا در واکنش و پاسخ به/انجیل توما نوشته شده است.

دکتر الین پیگلز علاوه بر کتب مذکور، یادداشت‌ها، مقالات و آثار تراز-نگ دیگری بالغ بر چهل عنوان دارد که برای رعایت اختصار به ذکر اثر برتر اکتفا می‌کنیم: مکاشفات، بینش‌ها، نبوت و سیاست در کتاب مکاشفه/ارسل ۲۰۱۳، پولس گنوسی: تفسیرهای گنوسی رساله‌های پولس در سال ۱۹۹۲ و خوانش یهودا: انجیل یهودا و شکل‌گیری مسیحیت در سال ۲۰۰۷. پانویست‌های توضیحی افزوده مترجم است.

1. *Revelation, Visions, Prophecy, and Politics in The Book of Revelation*
2. *The Gnostic Paul: Gnostic Exegesis of The Pauline Letters*
3. *Reading Judas: The Gospel of Judas and The Shaping of Christianity*

مقدمه

در دسامبر ۱۹۴۵، یقازن در مصر علیا کشف باستان‌شناختی شگفت‌آوری کرد. شایع است که دربارۀ این کشف شکل گرفت، شاید از آن رو که تصادفی بود و فروش اشیاءش در بازار سیاه غیرقانونی بود. حتی هویت کاشف سال‌ها ناشناخته ماند. عده‌ای می‌گفتند در پی خون‌خواهی بوده و عده‌ای دیگر می‌گفتند این کشف را نزدیک شهر نجع حمّادی^۱ در جبل الطارف^۲ انجام داده است، کوهی که بیش از ۱۵۰ غار دارد. برخی از این غارهای طبیعی حدود ۴۳۰۰ سال پیش، یعنی در اوایل سلسلۀ ششم پادشاهان مصر، به دست مردم حفاری و رنگ‌آمیزی شد و به عنوان گور مورد استفاده قرار گرفت.

سی سال بعد خود کاشف، محمد علی السّمان،^۳ موقوفۀ این بیان کرد.^(۱) او و برادرانش، کمی پیش از آن که به خون‌خواهی پرداخته بودند،

۱. نجع حمّادی (Nag 'Hammādī) شهری است در مصر علیا که در دوران باستان جنوبوسکیون (Χηνοβοόσκιον) به معنای چراگاه غازها نامیده می‌شد. این شهر در استان قنا در هشتاد کیلومتری شمال غرب شهر الأقصر (Luxor) قرار دارد.

۲. جبل الطارف (Jabal al-Tārif) کوهی در مصر در نزدیکی شهر الأقصر است که گور شاهان بسیاری در آن یافت شده است. این منطقه در مصر علیا تپه‌های بسیاری دارد و معبد هاتشپسوت (Hatshepsut) در آن واقع شده است.

روزی شترانشان را زین کردند و به قصد حفر خاک و یافتن سَبَخ^۱ — خاک نرمی که برای حاصلخیز کردن زمین به کار می‌بردند — به جبل رفتند. هنگام حفر زمین در اطراف تخته‌سنگی بزرگ، به خمرهٔ سفالی سرخی به ارتفاع تقریباً یک متر برخوردند. محمد علی تردید داشت که خمره را بشکند، زیرا فکر می‌کرد شاید جن یا روحی در آن باشد؛ در عین حال فکر کرد شاید هم طلا در آن باشد، لذا کلنگ خود را بالا برد و خمره را شکست و در داخلش سیزده جلد کتاب پاپیروس جلدچرمی یافت. به خواهش در القصر^۲ برگشت و کتاب‌ها و برگ‌های پراکندهٔ پاپیروس را روی پوشالی که بر زمین نزدیک اجاق روی هم ریخته شده بود انداخت. مادر محمد، ام احمد، بعدها گفت که آن شب مقدار زیادی از پاپیروس‌ها را همراه به‌شال‌های^۳ که برای روشن کردن آتش استفاده می‌کرد در اجاق ریخته بود.

چند هفته بعد محمد علی و برادرانش با کشتن احمد اسماعیل^۴ انتقام پدرشان را گرفتند. در برادرانش هشدار داده بود که کلنگ‌هایشان را تیز نگه دارند. وقتی فهمیدند که برادرشان پدرشان نزدیک است، فرصت را غنیمت شمردند، به سراغش رفتند، دست و پایش را قطع کردند... سینه‌اش را شکافتند و قلبش را برآوردند و به‌عنوان آخرین مرحلهٔ خون‌خواهی، آن را خوردند.^(۲)

محمد علی از ترس این که پلیس برای تحقیق دربارهٔ قتل به خانه‌شان بیاید و کتاب‌ها را کشف کند، از کشیشی به نام القُمُص باسیلیوس عبدالمسیح^۵ درخواست کرد که یکی دو جلد از کتاب‌ها را رای او به امانت نگه دارد. وقتی محمد علی و برادرانش به اتهام قتل تحریر جرمی بودند، راجب^۶ معلم تاریخ آن منطقه، یکی از کتاب‌ها را دید و حدس زد که باید

1. sabakn

۲. القصر (al-Qasr) شهرکی است در واحهٔ داخله در بیابان‌های غربی مصر که جزئی از بیابان لیبی هستند. می‌گویند این شهرک را سلاطین ایوبی در سدهٔ دوازدهم میلادی بر ویرانه‌های اراضی رومی‌نشین سابق بنا کرده‌اند. واحهٔ داخله جمعاً هفت منطقهٔ مسکونی دارد که القصر یکی از آن‌هاست.

3. 'umm-Ahmad

4. Ahmed Ismā'īl

5. Al-Qummuṣ Bāsīlīyus Abd al-Masīh

6. Rāghib

ارزشمند باشد. راغب یکی از کتاب‌ها را از القمّص باسیلیوس گرفت و برای یکی از دوستانش در قاهره فرستاد تا ببیند آیا چیز ارزشمندی است یا نه. نسخه‌های خطی در بازار سیاه قاهره به دست دلان آثار باستانی خرید و فروش شد و توجه مقامات دولت مصر را جلب کرد. خواهیم دید که طی مسیری بسیار پرمأجر، مقامات دولت یک جلد از کتاب‌ها را خریداری و ده نسخه و نیم دیگر از کل مجموعه سیزده جلد چرمی نسخه‌های خطی را مصادره کرده و در موزه قبطی^۱ مصر به امانت گذاشتند. اما بخش بزرگی از این سیزده نسخه خطی، شامل پنج متن فعل‌العاده مهم، قاجاقی از مصر خارج و در امریکا به معرض فروش گذاشته شد. خبر این مجموعه به‌زودی به گوش پروفسور خیلز کویسپل^۲، مورخ دین برسته دانشگاه اوترخت^۳ هلند، رسید. کویسپل که از این کشف به وجد آمده بود، به سرلان بنیاد یونگ^۴ در زوریخ توصیه کرد این نسخه خطی را خریداری کنند؛ و وقتی موفق شد نسخه را بخرد، دید چند صفحه از متن افتاده است. به همین دلیل در بهار سال ۱۹۵۵ به مصر سفر کرد تا آن‌ها را در موزه قبطی باید هنگامی که به قاهره رسید، فوراً به موزه قبطی رفت، عکس‌های بسیاری از این متون را امانت گرفت، و برای خواندن آن‌ها شتابان به هتل خریدار شد. کویسپل با خواندن سطر اول از متن غرق در شگفتی شد و با نابوری خواند: «این‌ها کلمات سری‌اند که عیسیای زنده تقریر کرد و برادر دوقلوی او یهو تا آن‌ها را نوشت».^(۳)

1. Coptic Museum

۲. خیلز کویسپل (Gilles Quispel): پژوهشگر و مدرس تاریخ صدر مسیحیت

۳. اوترخت (Utrecht): چهارمین شهر بزرگ هلند واقع در شرق این کشور

4. Judas Foundation

۵. یهودا توما (Judas Thomas): یکی از حواریون مسیح بود که پس از مرگ وی به مصر رفت و افرادی را به دین خود خواند که هنوز هم در این کشور هستند. در توضیح «برادر دوقلوی مسیح» باید گفت انجیل مرقس (۶:۳) و انجیل متی (۱۳:۵۵) چهار نفر از حواریون یعنی یعقوب الیار، برنابا، شمعون قانوی و یهودا توما را برادران مسیح می‌نامند و خواهرانی نیز برای وی برمی‌شمرند. به نظر می‌رسد این افراد به‌خاطر ارتباط نزدیک و بر سیل تحبیب برادران و خواهران مسیح شمرده می‌شوند. اکثر فرق مسیحیت بنا بر اصل اعتقادی باکرگی ابدی مریم می‌گویند مسیح هرگز خواهر و برادر تنی نداشته است. شاید افرادی قوم و خویش او بوده یا فرزندان یوسف پیش از ازدواج با مریم بوده‌اند. ولی در میان طوایف مسیحیت هستند گروه‌هایی که معتقدند این افراد هم از صلب یوسف و رحم مریم متولد شده‌اند.

کویسپل می‌دانست که همکار او، هانری شارل پوئش،^۱ با استفاده از یادداشت‌های پژوهشگر فرانسوی دیگری به نام ژان دورس^۲ در دهه ۱۸۹۰ این سطور آغازین را با قطعاتی از یک متن یونانی به نام *انجیل توما*^۳ یکی دانسته است. اما کشف کل این متن پرسش‌های تازه‌ای را مطرح می‌کرد: آیا عیسی همان طور که این متن اشاره می‌کند، برادری دوقلو داشته است؟ آیا این متن می‌تواند گزارش موثقی از سخنان عیسی باشد؟ طبق عنوان، این اثر *انجیل* به *روایت توما* بود، اما برخلاف انجیل‌های عهد جدید این متن خود را یک انجیل سری معرفی می‌کرد. کویسپل همچنین دریافت این متن حاوی بسیاری از اقوال مشهور عهد جدید است، اما این اقوال را با «نامعارف *انجیل توما* معانی متفاوتی را القا می‌کنند. کویسپل متوجه شد عباراتی در این متن هست که با سنن شناخته‌شده مسیحی کاملاً ناهمخوان است. مثلاً «عیسای زنده» در این متن اقوالی دارد که مثل *کوآن*^۴‌های این متن رازناک و گیراست:

عیسی فرمود: «اگر آن چه را در باطن دارید ظاهر کنید، آن چه ظاهر می‌سازید رستگرتان خواهد کرد. و اگر آن چه را در باطن دارید ظاهر نسازید، آن چه ظاهر می‌کنید تباہتان می‌کند.»^(۵)

آن چه کویسپل در دست داشت، یعنی *انجیل توما*، فقط یکی از ۵۲ متنی بود که در نجع حمادی پیدا شد. دهه ۱۹۵۰ مجلدی که این کتاب وجود دارد متنی به نام *انجیل فیلیپ*^۵ هم هست که «وال و افعالی» را به عیسی نسبت می‌دهد که با آن چه در عهد جدید آمده، کاملاً فرق دارد: همراه [منجی] مریم مجدلیه است. [اما مسیح دوست داشت] او را بیش از تمام حواریون و عادت داشت که [اغلب] [دهان را] بوسد. سایر

۱. هانری شارل پوئش (Henri Charles Puech): پژوهشگر فرانسوی، صاحب کرسی تاریخ ادیان کُلژ دُ فرانس بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۲.

۲. ژان دورس (Jean Doresse): مصرشناس و پایپروس‌شناس فرانسوی که نخستین مرکز باستان‌شناسی اتیوپی را بنیان نهاد.

3. Gospel of Thomas

۴. *کوآن* (koan) داستانی، عبارتی، سؤال یا گفت‌وگویی است که در آیین *ژن* می‌گویند تا «شک بزرگ» را در پیروان ایجاد کند و پیشرفت آن‌ها را در این مسیر محک بزند.

5. Gospel of Philip

احواریون آزرده خاطر بودند]... آن‌ها او را گفتند: «چرا بیش از همه ما دوستش می‌داری؟» منجی به آن‌ها پاسخ داد و گفت: «چرا شما را به قدر او دوست نداشته باشم؟»^(۵)

گفته‌های دیگری در این مجموعه هست که عقاید متداول مسیحیت، نظیر تولد مسیح از زن باکره یا رستاخیز جسمانی، را بدفهمی خام‌اندیشانه می‌داند و نقد می‌کند. در همین مجلد *آپوکریفای یوحنا*^۱ (آپوکریفا یعنی کتاب مخفی) هم هست که ادعا می‌کند «اسرار و مسائلی که در سکوت الهی مانده است» را افشا می‌کند که عیسی به حواری خود یوحنا آموخت.^(۶)

بعدها محمد علی گفت برخی از متون را گم کرده، دور انداخته یا در آتش سوزانده است. اما همان چیزی هم که باقی مانده شگفت‌انگیز است: حدود ۵۲ متن از صراحت مسیحیت شامل مجموعه‌ای از انجیل‌های مسیحی اولیه که تاکنون ناشناخته به علاوه *بر انجیل توما* و *انجیل فیلیپ*، این یافته‌ها شامل *انجیل حقیقت*، *انجیل مصریان*^۲ بود که این مورد آخری خود را «کتاب مقدس الروح بزرگ»^۳ میدانی^۴ معرفی می‌کند.^(۷) نوشته‌هایی هم هست که به پیروان عیسی نسبت داده می‌شود، نظیر *آپوکریفای یعقوب البار*،^۵ *مکاشفه پولس*،^۶ *نامه پطرس به فیلیپ*^۷ و *مکاشفه پطرس*.^۸

به‌زودی روشن شد که آن‌چه محمد علی در حادی کشف کرده متونی قبطی است که حدود ۱۵۰۰ سال پیش از رومی متونی قدیمی‌تر ترجمه شده است. متون اصلی به یونانی، یعنی به زبان عهد جدید، بوده است؛ دئرس، پوئش و کویسپل می‌گویند قسمتی از یکی از آن‌ها حدود ۵۰ سال پیش به‌وسیله باستان‌شناسانی به‌عنوان پاره‌هایی از نسخه یونانی اصلی *انجیل توما* کشف شده بود.^(۸)

1. Apocryphon of John

2. Gospel of Truth

3. Gospel of Egyptians

4. "the [sacred book] of the Great Invisible [Spirit]"

5. Secret Book of James

6. Apocalypse of Paul

7. Letter of Peter to Philip

8. Apocalypse of Peter

تاریخ نگارش خود دست‌نوشته‌ها چندان جای بحث نیست. بررسی پاپیروسی که برای ضخیم کردن جلد‌های چرمی به کار رفته است و نیز بررسی متن قبطی، تاریخ نوشتن آن‌ها را حدود سال ۳۵۰ تا ۴۰۰ م برآورد می‌کند.^(۹) اما پژوهشگران بر سر تاریخ متون اصلی اختلاف نظر بسیاری دارند. برخی از این متون ممکن نیست پس از سال ۱۲۰ تا ۱۵۰ م نوشته شده باشند، چون ایرنایوس،^۱ اسقف راست‌کیش لیون، در حدود سال ۱۸۰ م می‌نویسد بدعت‌گذاران «افتخار می‌کنند که انجیل‌هایی بیش از آنچه واقعاً هست در اختیار دارند»^(۱۰) و شکایت می‌کند که در زمان او این نوشته‌ها، از گُل^۲ تا روم و یونان و آسیای صغیر، دست به دست می‌گردید.

سپس و هم‌کارانش که نخستین بار *انجیل توما* را منتشر کردند می‌گفتند متن اصلی آن متعلق به سال ۱۴۰ م است.^(۱۱) عده‌ای می‌گفتند از آن‌جا که ایرنایوس به سرعت‌آمیزند، بعد از انجیل‌های عهد جدید نوشته شده‌اند که مربوط به سال‌های ۶۰ تا ۱۱۰ م هستند. اما اخیراً پروفیسور هلموت کوپرستر،^۳ استاد دانشگاه هاوارد، اشاره کرده است که مجموعه اقوال *انجیل توما*، اگرچه در حدود سال ۱۴۰ م جمع‌آوری شده، شاید سنت‌های قدیمی‌تر از انجیل‌های عهد جدید «مربوط به نیمه دوم قرن اول» (۵۰ تا ۱۰۰ م) را هم در خود داشته باشد، یعنی هم‌قدمت با انجیل‌های مرقس، متی، لوقا و یوحنا یا حتی قدیمی‌تر از آن‌ها.^(۱۲)

پژوهشگرانی که درباره یافته‌های نجع^۴ سادی تحقیق می‌کردند، دریافتند که بعضی از این متون منشأ نسل بشر را که از مملکت باستان متداول سفر پیدایش بیان می‌کنند؛ برای مثال *گوم حقیقت*^۵ باستان

۱. ایرنایوس (Irenaeus) از آباء کلیسا و پدران صدر مسیحیت در سده دوم میلادی در منطقه لوگدونوم (Lugdunum) است که بخشی از امپراتوری روم بود. او در عمل با یک واسطه یعنی از طریق پولیکارپ (Polycarp) مرید یوحنا انجیلی بود. ایرنایوس همت خود را صرف مبارزه با گنوسی‌ان والتنی‌ی کرد که از نظر او در آن دوران تهدیدی جدی برای کلیسای مسیحی به حساب می‌آمدند.

۲. گُل (Gaul) کشوری باستانی است در منطقه‌ای که امروزه فرانسه نامیده می‌شود.

۳. هلموت کوپرستر (Helmut Koester): استاد آلمانی دانشگاه هاروارد و متخصص تفسیر انجیل و تاریخ مسیحیت.

جنات عدن^۱ را از زبان مار بیان می‌کند؛ در این جا مار، که از دیرباز در ادبیات گنوسی اصل حکمت الهی است، آدم و حوا^۲ را متقاعد می‌کند تا از معرفت برخوردار شوند، در حالی که «خدا» آن‌ها را به مرگ تهدید می‌کند و حسودانه می‌کوشد آن‌ها را از نیل به معرفت بازدارد و وقتی به آن دست می‌یابند، آنان را از بهشت بیرون می‌راند.^(۱۳) در متن دیگری با عنوان مرموز «تندر، ذهن کامل» شعر فوق‌العاده‌ای از زبان قدرت مؤنث الهی بیان می‌شود:

زیرا من اولین و آخرینم.
من آن بزرگ‌داشته و آن خوارشده‌ام.
من آن بی‌پای و آن مقدسم.
من آن همسره آن باکره‌ام...
من آن خدایم.
که بسیار بزرگ‌تر از این است...
من آن خاموشی در نیایشی‌ام.
من بیان نام خویشم.^(۱۴)

پس این متون گوناگون شامل انجیل‌های سری، اشعار و توصیفات شبه‌فلسفی درباره منشأ جهان، اسطوره‌ها، جادو و دستورالعمل‌هایی برای تجربه عرفانی است.

چرا این متون دفن شدند؟ و چرا کمابیش ۲۰۰۰ سال ناشناخته مانده‌اند؟ به نظر می‌رسد ممنوع اعلام کردن این متون در دفنشان در صخره‌های نجع حمادی بخشی از تلاشی سرنوشت‌ساز در رستگاری مسیحیت در دوران آغازین بوده است. مسیحیان راست‌گیش مسیح در قرن دوم متون نجع حمادی و متون مشابه را، که در دوران آغازین مسیحیت رایج بودند، مصداق بدعت دانستند و محکوم کردند. ما از دیرباز می‌دانستیم بسیاری از پیروان اولیه مسیح از نظر مسیحیان دیگر بدعت‌گذارند، اما تقریباً هرچه درباره‌شان می‌دانستیم از منابعی به دست ما رسیده بود که مخالفانشان در محکومیت آن‌ها نوشته بودند. اسقف

ایرنائیوس، که در حدود سال ۱۸۰م سرپرستی کلیسای لیون را برعهده داشت، پنج جلد کتاب با عنوان تخریب و واژگونی آن چه به دروغ علم می‌خوانند^۱ نوشت که با این قول او شروع می‌شود:

عقاید کسانی را که بدعت تعلیم می‌دهند جلو رویتان می‌گذارم... تا نشان دهم سخنانشان چقدر پوچ و خلاف واقع است... من این کار را می‌کنم... تا به تمامی کسانی که با آن‌ها ارتباط دارید توصیه کنید از این ورطه دیوانگی و کفر به مسیح اجتناب کنند.^(۱۵)

او به بهانه انجیل مشهور به انجیل حقیقت را «آکنده از کفرگویی» می‌داند و محکوم می‌کند.^(۱۶) آیا ایرنائیوس به همان انجیل حقیقت که در نجع حمادی کشف شده است اشاره می‌کند؟ کویسپل و همکارانش که نخستین بار انجیل حقیقت را چاپ کردند به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهند؛ اما یکی از معاندان می‌گوید سطر آغازین انجیل حقیقت (که با واژه‌های «انجیل حقیقت» آغاز می‌شود) عنوان متن نیست، بلکه جملات نخست متن اصلی است.^(۱۷) اما می‌دانیم ایرنائیوس دست کم یکی از متون کشف شده در نجع حمادی، یعنی آیه کریفای یوحنا، را دستاویز حملات خود علیه این «بدعت» می‌سازد. بجاه سال بعد هیپولیتوس^۲، معلم رومی، ردیه بزرگ دیگری به نام ردی بر همه بدعت‌ها^۳ نوشت تا «کفرگویی‌های شرورانه بدعت‌گذاران را افشا و رد کند».^(۱۸)

۱. *The Destruction and Overthrow of Falsely So-called Knowledge*: این

کتاب در دهه دوم مسیحیت نوشته شده است و مختصراً به یونانی κατά αἱρέσεων و به لاتینی *Adversus haereses* خوانده می‌شود. مخاطب اصلی کتاب هیپولیتوس (Eleutherus) نام دارد که در سال ۱۸۰م اسقف روم بوده است و به همین دلیل می‌تواند این کتاب متعلق به سده دوم باشد. اصل کتاب تا حد زیادی از بین رفته است، ولی جلد چهارم و پنجم به صورت ترجمه ارمنی و یک کپی کامل به زبان لاتینی از آن به دست ما رسیده که با فاصله کمی پس از نوشته شدن کتاب اصلی تهیه شده است.

۲. هیپولیتوس (Hippolytus): روحانی معظم کلیسایی، شاگرد ایرنائیوس، که عده‌ای را دور خود گرد آورد تا با اسقف روم رقابت کند و از این ناراضی بود که می‌دید کلیسای روم می‌کوشد با باز کردن دایره اعتقادات گروهی از کفار را هم دخیل در مدار مسیحیت کند. عده‌ای می‌گویند وی به شهادت از دنیا رفت.

3. Refutation of All Heresies

کسانی که این نبرد را علیه بدعت به راه انداختند، ناخواسته به قدرت قانع‌کننده آن هم معترف بودند؛ با این حال اسقف‌ها غالب شدند. وقتی امپراتور کنستانتین^۱ در سده چهارم به این دین درآمد و مسیحیت دین رسمی شد، اسقف‌های مسیحی که تا دیروز تحت پیگرد پلیس بودند، امروز بر آن‌ها حکمرانی می‌کردند. داشتن کتاب‌هایی که بدعت‌آمیز خوانده شده بودند مجازات به همراه داشت. نسخه‌های این کتاب‌ها را می‌سوزاندند و از بیرون می‌زدند؛ اما در مصر علیاً احتمالاً راهبی از صومعه نزدیک قیدیس حوه رس^۲ کتاب‌های ممنوعه را برداشت^(۱۹) و پنهان کرد تا از نابودی مبرا باشند، در همان خمره‌ای که کمابیش ۱۶۰۰ سال مدفون ماندند.

اما آنان که این متون را نوشتند و رواج بخشیدند خود را «بدعت‌گذار» نمی‌دانستند. در بیشتر این نوشته‌ها واژه‌ها و اصطلاحات مسیحی به کار رفته که بی‌شمار به میراث یهود ارتباط دارند. بسیاری‌شان مدعی عرضه روایاتی سیری از مسیح هستند که از دید «خیلی‌ها» که در قرن دوم آن‌چه «کلیسای کاتولیک» نامیده می‌شود، وجود آوردند پنهان مانده‌اند. این دسته از مسیحیان را امروز گنوس می‌خوانند؛ از لفظ یونانی گنوسیس^۴ که معمولاً «معرفت» ترجمه می‌شود. کسانی که ادعا می‌کنند هیچ چیز درباره حقیقت غایی نمی‌دانند آگنوستیک^۵ (لفظاً به معنی «نادان» یا «لاداری») نامیده می‌شوند و کسانی که ادعا می‌کنند این امور را می‌دانند گنوستیک (یعنی «دانا») نام می‌گیرند. اما گنوس به معنای دانش عقلی نیست. در زبان یونانی بین دانش علمی یا ذهنی (پار ریاضیات می‌داند) و معرفت مبتنی بر مشاهده یا تجربه («او مرا می‌شناسد») یعنی گنوس، تفاوت هست. معنایی که گنوسی‌ان از گنوس اراده می‌کنند «بصیرت»^۶ قابل ترجمه است، یعنی فرایند شهودی شناخت خود. به ادعای آن‌ها شناخت خود به منزله شناخت ماهیت و سرنوشت انسان است. امروز

۱. قسطنطین (Constantine) یکم، بزرگ یا مقدس، نخستین امپراتوری که به دین مسیح درآمد و شورای نخست نیکیه (Nicaea) را در سال ۳۲۵ برگزار کرد.

۲. پاخومیوس (Pachomius): روحانی سده چهارم مسیحیت که در الأقصر متولد شد و زندگی کرد. پس از وی صومعه مشهوری به نامش در آن شهر برپا کردند.

3. Gnostics

4. Gnosis

5. Agnostic

6. Insight

گنوسی تئودوتوس،^۱ که در آسیای صغیر (حدود ۱۴۰ تا ۱۶۰ م) می‌نوشت، می‌گوید گنوسی کسی است که می‌خواهد بفهمد «ما که بودیم و چه شده‌ایم؛ کجا بودیم... شتابان به کجا می‌رویم؛ از چه چیزی رها می‌شویم؛ تولد چیست و تولد ثانی (نوزایی) کدام است».^(۲۰)

شناخت خود در عمیق‌ترین سطح همان شناخت خداست؛ این راز گنوس است. آموزگار گنوسی دیگری به نام مُنعم^۲ می‌گوید: دست از جست‌وجوی خدا و آفرینش و این قبیل امور بردار، در گام نخست او را در خود بجوی. بین آن چیست در درونت که همه چیز را از آن خرد می‌سازد و می‌گوید: «خدای من، ذهن من، فکر من، روح من، جسم من، منشأ غم، شادی، عشق، نفرت، و... را بشناس. اگر یا دقت این مسائل را دری کنی، او را در خود خواهی یافت».^(۲۱)

آن چه محمد سی در جمع حمادی کشف کرد ظاهراً مجموعه آثاری است که تقریباً همگی گنوسی‌اند. گرچه این نوشته‌ها مدعی تعالیم برتری‌اند، ولی بسیاری از آن‌ها به کتب مقدس عهد عتیق و برخی دیگر به نامه‌های پولس و انجیل‌های عهد جدید اشاره می‌کنند. شخصیت‌های بسیاری از آن‌ها همان شخصیت‌های نمایی عهد جدید، یعنی عیسی و حواریونش، هستند. ولی تفاوت‌هایشان در چشمگیری است.

یهودیان و مسیحیان راست‌کیش می‌گویند سکاف، عمیقی میان انسان و خالقش هست: خداوند وجودی کاملاً دیگر است. برای برخی گنوسیان که این انجیل‌ها را نوشتند خلاف این را می‌گویند: آن‌ها معتقد بودند شناسی همان خداشناسی است؛ نفس و امر الهی یکی هستند.

دیگر این که «عیسای زنده»ی این متون از توهم و اشتباه سخن می‌گوید، نه مانند عیسای عهد جدید از گناه و توبه. او به جای این که بیاید تا ما را از گناه برهاند، چونان راهنمایی می‌آید تا دریچه‌ای به شناخت

۱. تئودوتوس (Theodotus): از متألهان صدر مسیحیت که می‌گویند از شاگردان والنطینوس بوده است. کلمنت اسکندرانی کتابی مشتمل بر اقوال او دارد.

۲. مُنعم (Monoimus) گنوسی عربی شاگرد تاتیان (Tatian) آشوری است. اطلاعات ناچیزی از وی در دست است. می‌گویند واژه مُناد (monad) را او وارد الهیات مسیحی کرده است.

روحانی به رویمان بگشاید. اما وقتی شاگرد به شهود می‌رسد، عیسی دیگر استاد روحانی او نیست، بلکه هر دو برابرند، یا حتی یکی‌اند.

سوم این که مسیحیان راست‌کیش عقیده دارند عیسی به نحوی بی‌همتا هم خدا و هم پسر خداست: او همواره از دیگر انسان‌ها، که برای نجاتشان آمده، متمایز است. ولی /انجیل تومای گنوسی می‌گوید: همین که توما او را می‌شناسد، عیسی به توما می‌گوید که هر دو وجودشان را از یک منشأ دریافت کرده‌اند:

عیسی گفت: من ارباب تو نیستم؛ زیرا تو هم از جویبار خروشان که من پیمانه کشیده‌ام نوشیده‌ای و مست شده‌ای... آن که از دهان من بنوشد در من می‌خورد گشت. من خود او خواهم شد، و چیزهایی که پنهان است... آشکار خواهد شد. (۲۲)

آیا این آموزه‌ها بیشتر رافی به نظر نمی‌رسد تا غربی: وحدت وجود خدا و انسان، تعلق خاطر به «مشرق» اشراف، بنیان‌گذاری که نه خدا بلکه رهبر روحانی است؟ برخی پژوهشگران گفته‌اند اگر اسامی را تغییر دهیم، «بودای زنده» درست همان چیزهایی را می‌گوید که /انجیل توما به «عیسای زنده» نسبت می‌دهد. آیا سنت هندو، بودایی بر آیین گنوسی تأثیر گذاشته‌اند؟ پژوهشگر بریتانیایی حوزهٔ بدیسیم ادوارد کونز،^۱ به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد و می‌گوید بوداییان با مسیحیان تومایی، یعنی مسیحیانی که نوشته‌هایی نظیر /انجیل توما را می‌شناختند و به کار می‌بستند، در جنوب هند مرتبط بودند. (۲۳) در دوران وفای آیین گنوسی (۸۰ تا ۲۰۰ م) راه‌های تجاری بین دنیای یونانی و رومی و خاور دور کم‌کم باز می‌شدند. نسل‌ها میسیونرهای بودایی در اسکندریه مصر را به آیین خود دعوت می‌کردند. همچنین می‌بینیم که هیپولیتوس مسیحی مذهب یونانی‌زبان ساکن روم (حدود ۲۲۵ م) برهمنان هندی را می‌شناسد و روایاتشان را در بین منابع بدعت می‌گنجاند:

در بین هندوان بدعتی هست... میان برهمنان اهل فلسفه؛ خودبسنده زندگی می‌کنند و از خوردن موجودات زنده و هر نوع غذای پخته

۱. ادوارد کونز (Edward Conze): پژوهشگر بریتانیایی که به ترجمهٔ متون بودایی در اروپا مشهور شده است.

می‌پرهیزند... می‌گویند خدا نور است، ولی نه مانند نوری که می‌بینیم و نه همچون خورشید یا آتش، بلکه برای آن‌ها خدا کلام است؛ نه کلامی که در قالب آواهای زبان بیان می‌شود، بلکه کلام معرفت (گنوس) که خردمندان با آن، اسرار پنهان طبیعت را درمی‌یابند.^(۲۴)

این متن را/انجیل توما نامیده‌اند و توما آن حواری است که می‌گویند به هند سفر کرد. آیا این بر اثرگذاری سنت هندی گواهی می‌دهد؟ احتمال آن وجود دارد، اما شواهدمان قطعی نیست. از آن‌جا که در فرهنگ‌های گوناگون در زمان‌های گوناگون سنت‌های مشابه ممکن است ظهور کند، چنین عقایدی هم شاید در هر دو مکان مستقل از هم شکل گرفته باشد.^(۲۵) آن چه با امروز ادیان شرقی و غربی می‌خوانیمشان و جریان‌های مجزا می‌دانیمشان، نه هزار سال قبل تا این حد متمایز نبودند. پژوهش در متون نجع حمادی در اراکل تدایی است. چشم‌انتظار کار پژوهشگرانی هستیم که قادر باشند این روایات را تطبیقی مطالعه کنند تا معلوم شود آیا واقعاً می‌توان سرچشمه آن را را از ادیان دانست یا نه.

با این حال عقایدی که آن‌ها را با ادیان شرقی مرتبط می‌دانیم در سده نخست مسیحیت از طریق جنس گنوسی در غرب ظاهر شدند، اما جدلیانی چون ایرنایوس آن‌ها را سکوب و محکوم کردند. کسانی که آیین گنوسی را بدعت می‌خواندند، دانسته یا ندانسته، دیدگاه کسانی را اختیار می‌کردند که خود را مسیحیان راست‌گیش می‌نامیدند. بدعت‌گذار کسی است که دیدگاهش به مذاق دیگری خوش نمی‌آید. از نظر او محکوم است. سنت مسیحی می‌گوید بدعت‌گذار کسی است که از ایمان واقعی منحرف می‌شود. ولی تعریف ایمان واقعی چیست؟ تشخیص ایمان واقعی با کیست و چه معیارهایی دارد؟

این مشکل برایمان تجربه‌ای آشناست. اصطلاح «مسیحیت»، به‌ویژه از زمان نهضت اصلاح دینی،^۱ طیف گسترده‌ای از گروه‌ها را دربرگرفته است.

۱. نهضت اصلاح دینی یا رفرماسیون (Reformation) شقاق عظیمی بود که کالون و لوتر در سده شانزدهم در مسیحیت غربی ایجاد کردند و با ایراد اعتراضات فقهی، کلامی و الهیاتی این دو به پاپ و روحانیان آن دوره همراه بود که چرا ادعا می‌کنند امور در برزخ به دست آن‌هاست، عفو الهی را به پول می‌فروشند و غیره.

کاردینال^۱ کاتولیکی در واتیکان، واعظی افریقایی از فرقه اسقفی متدیست^۲ که در دیترویت^۳ مشغول فعالیت مذهبی است، میسیونر مورمونی^۴ در تایلند، یا عضو کلیسای روستایی در ساحل یونان هریک در شمار مدعیان «مسیحیت حقیقی» در قرن بیستم‌اند. با این حال کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و ارتدکس‌ها همداستان‌اند که این تکثر پدیده‌ای نوظهور و تأسفانگیز است. برطبق افسانه‌های مسیحی کلیسای اولیه این‌گونه نبود. مسیحیان آنی گوناگون همه یک کلیسای اولیه داشتند که ایمانی ساده‌تر و بی‌آلایش‌تر عرضه می‌کرد. در دوره رسولان مسیح، تمام اعضای جامعه مسیحی در بول و دارایی‌شان با هم سهیم بودند؛ همه یک اعتقاد داشتند، با هم عبادت می‌کردند و همه به مرجعیت رسولان احترام می‌گذاشتند. بعد از آن دوران صلح، اختلافات و سپس بدعت‌ها پدید آمد؛ نویسندۀ اعمال رسولان^۵ که خود را نخستین مورخ مسیحیت معرفی می‌کند چنین می‌گوید.

اما یافته‌های نجع حماد، این تصویر را مخدوش کرده است. اگر بپذیریم بعضی از این ۵۲ متن سوزه‌ای اولیه مسیحیت را ارائه می‌کنند، باید تصدیق کنیم که مسیحیت اولیه بسیار گونه‌گون‌تر از آن چیزی بوده است که تا قبل از کشف متون نجع حمادی فکر می‌کردیم. (۲۶)

مسیحیت معاصر، با همه تنوع و پیچیدگی‌اش، یکپارچه‌تر از کلیساهای مسیحی سده‌های اول و دوم به نظر می‌رسد. حتی تمام مسیحیان، چه کاتولیک، چه پروتستان، چه ارتدکس، از آن رمان‌سه اصل اساسی مشترک دارند: نخست، ایمان به شریعت عهد جدید؛ دوم، شهادت به

۱. کاردینال (cardinal): یکی از بالاترین مقام‌ها در سلسله مراتب کلیسای شوالیه‌ها. کاردینال‌ها پاپ بعدی را انتخاب می‌کنند.

۲. متدیسم (Methodism): فرقه‌ای در مسیحیت پروتستان، پیرو جان ولسلی، که از کلیسای سده هجدهمی انگلیس آغاز شد و تلاش‌های تبلیغی گسترده آن را در دنیا ترویج کرد.

۳. دیترویت (Detroit): شهری بزرگ و پرجمعیت در مرز آمریکا و کانادا در ایالت میشیگان.

۴. مورمون (Mormon): فرقه‌ای مسیحی در آمریکا که جوزف اسمیت (۱۸۰۵ - ۱۸۴۴) آن را بنیان گذاشت و مدعی بود فرشته‌ای از جانب خدا کتابش را به وی وحی کرده است.

۵. اعمال رسولان (Acts of the Apostles): پنجمین کتاب عهد جدید است که توضیح می‌دهد چگونه کلیسای مسیحی شکل گرفت و پیام وی در امپراتوری روم گسترش یافت.

اعتقادنامهٔ رسولان؛^۱ و سوم، اعتقاد به آشکال خاصی از نهاد کلیسا. اما هریک از این سه، یعنی شریعت کتاب مقدس، اعتقادنامهٔ رسولان و ساختار نهاد کلیسا، در شکل کنونی‌اش در اواخر قرن دوم ظهور یافت. قبل از آن، چنان‌که ایرنایوس و دیگران می‌گویند، انجیل‌های متعددی در بین فرقه‌های گوناگون مسیحی رواج داشت؛ از انجیل‌های عهد جدید، یعنی متی، مرقس، لوقا و یوحنا گرفته تا نوشته‌هایی چون *انجیل توما*، *انجیل فیلیپ*، و *انجیل حقیقت*، به‌علاوهٔ بسیاری آموزه‌های سری دیگر و افسانه‌ها و شعاری منسوب به عیسی و حواریونش. ظاهراً بعضی از این‌ها در نجع حمادی کشف شدند و بسیاری دیگر هم به دست ما نرسیده‌اند. آنان که خود را مسیح معرفی می‌کردند، عقاید و اعمال دینی گوناگونی داشتند که میقتاً یکدیگر متفاوت بودند و جوامع پراکنده در سرتاسر جهان شناخته‌شدهٔ آن روز به‌گونه‌ای سامان یافته بودند که هر گروه با گروه دیگر کاملاً متفاوت بود.

اما تا سال ۳۲۵م در روضعت تغییر کرده بود و مسیحیت نهادی شده بود که سلسله مراتبی با تانه شامل اسقف، کشیش و شماس آن را رهبری می‌کرد و آن‌ها خودشان پاسداران تنها «ایمان حقیقی» می‌دانستند. بیشتر کلیساها، به رهبری کلیسای روم، تمام دیدگاه‌های دیگر را بدعت می‌دانستند و رد می‌کردند. اسقف ایرنایوس و پیروانش با اظهار تأسف از تکرر مسیحیت پیشین معتقد بودند که با یک کلیسا وجود دارد و بیرون از آن کلیسا «هیچ رستگاری‌ای نیست»^(۲۷) فقط اعضای این کلیسا مسیحیان راست‌کیش (لفظاً به معنی «راست‌اندیش») هستند و او مدعی بود این کلیسا باید کاتولیک، یعنی جهانی،^۲ باشد. هرگز آن اجماع عام را زیر سؤال می‌برد و به‌جایش دم از آشکال دیگر آموزه‌های مسیحی می‌زد بدعت‌گذار خوانده و طرد می‌شد. پس از آن که امپراتور کنستانتین در قرن چهارم مسیحی شد و راست‌کیشان از حمایت نظامی برخوردار گشتند، مجازات بدعت تشدید شد.

۱. اعتقادنامهٔ رسولان (Apostles' Creed) خلاصه‌ترین اصول اعتقادی مسیحیت که با اعتقاد به خدای خالق جهان آغاز می‌شود و با رخدادهای فراطبیعی زندگی مسیح نظیر تولد از باکره و رستاخیز ادامه پیدا می‌کند.

۲. واژهٔ کاتولیک از ترکیب کاتوس + هولوس (در باره + همه) در زبان یونانی ساخته شده و به معنای جامع، فراگیر، همه‌گیر، و جهان‌شمول است.